

مبانی اعتماد اجتماعی در متون دینی

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۱/۰۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۲/۱۲

فاطمه وجدانی^۱
مرضیه محمص^۲

چکیده

تقویت «اعتماد اجتماعی» برای تقویت هویت جمعی، انسجام و نظم در جامعه ضروری است و به منزله مؤلفه‌ای پویا و درونزاد در کنش عمومی تأثیرگذار است. در این تحقیق، زیرساخت‌ها و مبانی شناختی و عاطفی اعتماد کردن (به عنوان یک عمل آگاهانه و ارادی) با رویکردی درون دینی (و با استفاده از مفهوم «حسن ظن») مورد بررسی قرار گرفته است. براین اساس، اهداف پژوهش عبارت‌اند از: ۱) تبیین شرایط و حدود و ثغور «حسن ظن» براساس آیات قرآن و روایات و ۲) تبیین عواطف بین فردی مناسب برای اعتماد با توجه به مفهوم «اخوت ایمانی» در قرآن. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بود. براساس یافته‌ها، در دیدگاه اسلامی اعتماد کردن، مولود پیوند مناسب میان سه عنصر: «اندیشه‌ها»، «عواطف» و «واقعیت» هاست و ضوابط دقیقی دارد (که در مقاله بحث شده است). خوش‌گمانی مبتنی بر شناخت نسبت به مؤمنان، در بافت فرهنگی-اجتماعی که در آن راستی و درستکاری بر ناراستی غلبه دارد، به اضافه احساس قدرتمند اخوت ایمانی که نوعی تعلق خاطر و هویت جمعی ایجاد می‌کند، زمینه اعتماد اجتماعی خردمندانه را فراهم می‌کند. لذا اجتناب از تردیدهای ناموجه، خوش‌بینی واقع‌بینانه و همچنین، خودمدیریتی در مواجهه با بدگمانی‌ها از سوی فرد اعتماد کننده و نیز رفتارهای اعتمادساز از سوی اعتماد شونده، و همچنین، اصلاح فضای اخلاقی جامعه، در راستای تقویت اعتماد عمومی توصیه می‌شود.

واژگان کلیدی: حسن ظن، اعتماد اجتماعی، اخوت

۱ دکتری فلسفه تعلیم و تربیت و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی (نویسنده مسئول)

f_vojdani@sbu.ac.ir

۲ دکتری علوم قرآن و حدیث و استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی m_mohases@sbu.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

بشر به صورت فطری برای برآوردن نیازهای گوناگون خویش به زندگی اجتماعی روی می‌آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۸۵-۴۸۴) و در جریان این زندگی و تعامل اجتماعی، فرهنگ عمومی یا اجتماعی که نمایانگر راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش افراد آن جامعه است، شکل می‌گیرد. فرهنگ دارای مؤلفه‌های گوناگونی است که یکی از مهم‌ترین آنها ارزش‌ها و ضوابط خودآگاه و ناخودآگاه حاکم بر تعاملات بین فردی است.

فرهنگ ارتباطی میان مردم در جوامع گوناگون و حتی میان خرده فرهنگ‌ها نیز متفاوت است و در جوامع دینی به میزان زیادی تحت تأثیر آموزه‌های دینی و اخلاقی حاکم بر آن جامعه شکل می‌گیرد. اسلام به عنوان یک دین اجتماعی، افزون بر اهتمام به تنظیم زندگی فردی، بر ساماندهی و اصلاح زندگی جمعی نیز تأکید دارد و لذا بخش وسیعی از آیات قرآن کریم و آموزه‌های اهل بیت (ع) ناظر بر اصلاح فرهنگ ارتباطی و تنظیم تعاملات اجتماعی افراد می‌باشد.

علامه طباطبایی، جامعه را به یک تن واحد تشبیه نموده و ضرورت حفظ انسجام و وحدت آن را مورد تأکید قرار می‌دهد. به تعبیر ایشان، اسلام به دنبال تشکیل جامعه‌ای است که اعضای آن در کمال اطمینان خاطر و سلامتی از هر خطری، همدیگر را انسانی عادل و صحیح بدانند، با هم مأنوس شوند، به یکدیگر اعتماد کنند، با همدیگر تعاون و معاضدت داشته باشند و از خیر یکدیگر بهره‌مند شوند. در غیر این صورت و در شرایطی که اعضای جامعه از هم بیزار باشند و پیوندهای اجتماعی سست شود، این قطع رابطه هرچند هم که اندک باشد، با توجه به وسعت آن، خسارت بزرگی به جامعه وارد نموده و رشته حیات آن را قطع می‌سازد. از این رو، اسلام در پی آن است تا از کلیه عواملی که منزلت اجتماعی اعضای جامعه را خدشه‌دار می‌کند و هویت و شخصیت اجتماعی ایشان را از آنها می‌گیرد، جلوگیری به عمل آورد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۸۵-۴۸۴). یکی از این عوامل می‌تواند بی‌اعتمادی عمومی مردم نسبت به یکدیگر باشد که در متون اخلاقی، یک رذیلت اخلاقی مهم تلقی می‌شود.

به‌رغم اهمیت فراوان «اعتماد اجتماعی»، پژوهش‌های انجام شده در کشور، میزان اعتماد اجتماعی را در حد متوسط و رو به پایین نشان داده‌اند (طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۲؛ ابراهیمی لویه، ۱۳۸۵، کتابی و همکاران، ۱۳۸۹؛ بختیاری، ۱۳۸۹؛ ادیسی و همکاران، ۱۳۹۱؛ علیزاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۱؛ سروش، ۱۳۹۱؛ باقریانی، ۱۳۹۳؛ بیدل و دیگران،

۱۳۹۳؛ بیدل، ۱۳۹۵؛ میرفردی و احمدی قارنایی، ۱۳۹۵). گسترش بی‌اعتمادی در جامعه، زمینه عدم تفاهم و انفکاک میان افراد را به وجود می‌آورد و می‌تواند به تضعیف هویت جمعی بینجامد (حاجی‌زاده میمندی و اسکندری فرد، ۱۳۹۲)؛ لذا به عنوان مسئله اجتماعی نیاز به بررسی همه جانبه و همفکری متفکران و پژوهشگران از حوزه‌های گوناگون دارد.

اهداف و پرسش‌های پژوهش

در این پژوهش، مبانی شناختی و عاطفی اعتماد با رویکردی درون دینی مورد بررسی قرار گرفته است. برای بررسی مبانی شناختی اعتماد، از مفهوم «حسن ظن» و برای بررسی مبانی عاطفی اعتماد، از مفهوم «اخوت» کمک گرفته می‌شود.

این پژوهش دو هدف را پیگیری می‌کند: اولاً، تبیین دقیق شرایط، زمینه‌ها و حدود و ثغور «حسن ظن» براساس آیات قرآن و روایات اهل بیت(ع)؛ و ثانیاً، تبیین عواطف و گرایش‌ها بین فردی مناسب برای اعتماد با توجه به مفهوم «اخوت» در قرآن کریم.

در راستای دستیابی به اهداف تحقیق، دو سؤال پژوهشی زیر پاسخ‌دهی می‌شود:

۱. با توجه به شرایط و حدود و ثغور «حسن ظن» در آیات و روایات، مبانی شناختی اعتماد اجتماعی چگونه تبیین می‌شود؟
۲. با عنایت به مفهوم «اخوت ایمانی» در قرآن کریم، چه مبانی عاطفی را برای اعتماد اجتماعی می‌توان در نظر گرفت؟

پیشینه پژوهش

دو مفهوم «حسن ظن» و «اخوت» در اسلام، پیش‌تر نیز توسط پژوهشگران مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در برخی از تحقیقات، حسن ظن موضوع اصلی مقاله بوده است. به عنوان نمونه، عبداللّهی عابد و رزمی (۱۳۹۳) انواع حسن ظن به خدا، به جهان و به مسلمانان را مورد بررسی قرار داده و جنبه آرامش‌بخشی حسن ظن را در هر یک از انواع پیش گفته مورد بررسی قرار داده‌اند و البته به تعداد محدودی از آیات و روایات مرتبط اشاره داشته‌اند. همچنین، دیالمه و همکاران (۱۳۹۵) در یک پژوهش کیفی، تلاش نموده‌اند تا از طریق تحلیل محتوای متون دینی، شرایط ایجاد اعتماد واقعی میان افراد در سازمان‌های آموزشی را مورد بررسی قرار دهند. کلیدواژه‌های ایشان اعتماد، ظن، اطمینان، ثقه و مانند آن بوده است. یافته‌ها حاکی از آن است که

در فرایند اعتماد، ضمن اجتناب از برخی خطاهای شناختی (شامل خطا در مراتب اعتماد، خطا در شناخت موقعیت اعتماد و توجه نداشتن به شاخصه‌های فرد مورد اعتماد)، باید به مراتب اعتماد نیز توجه کرده، شناخت از موقعیت اعتماد را در نظر داشته و صلاحیت‌های فرد مورد اعتماد را نیز مورد نظر قرار داد تا بستر تحقق اعتماد واقعی (اصیل) فراهم آید. در این پژوهش، به فضای مناسب اعتماد صرفاً اشاره مختصری شده است.

همچنین، اخگر و خلیلی (۱۳۹۵) نیز مؤلفه‌های تربیت شهروندی را در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری از دیدگاه قرآن کریم و اهل بیت مورد بررسی قرار داده‌اند. ایشان در بعد عاطفی، در کنار مؤلفه‌هایی همچون احساس تعهد، اعتماد به نفس و...، به اختصار به حسن ظن نیز اشاره‌ای نموده‌اند و بالطبع نوشتار حاضر با جامعیت بیشتری، بدین مهم می‌پردازد.

هرچند در برخی پژوهش‌ها نیز، گرچه ارتباط اخلاقیات با اعتماد اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است، اما مفهوم حسن ظن دغدغه پژوهشگر نبوده است. مثلاً، اسکندری و موسوی (۱۳۹۰) ابعاد مفهوم اعتماد را در اندیشه شهید مطهری بررسی نموده و کاربرد آن را در مدیریت سازمان مورد مطالعه قرار داده‌اند. در این مقاله اجمالاً و با نگاهی عام، چهار نوع اعتماد: اعتماد به خویش، خدا، طبیعت و اجتماع مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت ایمان به عنوان تنها عامل زمینه‌ساز اعتماد معرفی شده است. همچنین امانت‌داری، صداقت وفای به عهد و احساس مسئولیت، به عنوان عوامل افزایش دهنده اعتماد مطرح شده‌اند. البته ایشان در بخشی از مقاله رعایت عوامل تقویت اعتماد را موجب دلگرمی و حسن ظن معرفی نموده‌اند. لذا اساساً بررسی تأثیر حسن ظن و سازوکارهای آن مدنظر ایشان نبوده است. همچنین، خدایار (۱۳۹۰) نقش راهبردی اخلاق را در ایجاد وحدت و براساس تعالیم قرآنی مورد بررسی قرار داده است. در آنجا نیز مجموعه‌ای از فضایل اخلاقی وحدت بخش معرفی شده‌اند؛ اما حسن ظن مؤلفه قابل توجهی نبوده است. به‌علاوه، ادیسی و همکاران (۱۳۹۱)، با روش پیمایشی اعتماد اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و رابطه مثبت و معناداری بین سه متغیر مستقل دین‌داری، مقبولیت اجتماعی و رعایت اخلاقیات با اعتماد اجتماعی یافته‌اند. در این تحقیق، اخلاقیات در پنج بعد صداقت، وفای به عهد، گذشت و فداکاری و شجاعت در حقیقت‌گویی سنجیده شده و حسن ظن مدنظر نبوده است. همچنین، خادم علیزاده و افسری (۱۳۹۵) در قالب پژوهشی توصیفی- علی، تأثیر آموزه‌های اعتقادی، مناسکی و اخلاقی اسلام را بر سرمایه اجتماعی (اعتماد تعمیم یافته)

مسلمانان در ۴۰ کشور جهان مورد بررسی قرار دادند و دریافتند که آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد. اما در این تحقیق، شاخص‌های اخلاقی اسلام عبارت بوده‌اند از: اعتماد به مساجد و اماکن مذهبی، قبیح دانستن رشوه گرفتن و مهم دانستن کمک به دیگران. لذا حسن ظن مد نظر ایشان نبوده است. همچنین، امیری و همکاران (۱۳۹۵) از طریق پژوهشی پیمایشی با رویکرد جامعه‌شناختی تأثیر فضایل مثبت‌نگر را بر اعتماد اجتماعی مورد بررسی قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که فضایل انسانی مثبت‌نگر (مانند عدالت، اعتدال، نوع دوستی و شجاعت) اثر مثبت و مستقیمی بر اعتماد اجتماعی دارد. لذا حسن ظن جزو متغیرهای این پژوهش نبوده است.

در مورد اخوت نیز پژوهش‌های محدودی صورت گرفته است. به عنوان نمونه، وطن دوست (۱۳۸۴) مؤلفه‌های اخوت ایمانی و شیوه‌های تحکیم آن را مورد بررسی قرار داده است و سپس مهم‌ترین وظایف متقابل برادری را در جامعه ایمانی مطرح نموده است. در بخشی از مقاله، خوش‌گمانی به عنوان یکی از عوامل تحکیم اخوت نام برده شده است؛ درحالی‌که در پژوهش حاضر برعکس، اخوت به عنوان مبنایی برای اعتماد و حسن ظن مورد بررسی تحلیلی قرار خواهد گرفت. به‌طورکلی، این مقاله بحث ویژه‌ای در ارتباط با حسن ظن نداشته است. همچنین، فتوحی (۱۳۹۰) اخوت اسلامی را به‌مثابه سرمایه اجتماعی معنوی از دیدگاه امام خمینی مورد بررسی قرار داده است. تأکید عمده این پژوهش بر وحدت امت اسلامی (از طریق اخوت) است و در بخشی از مقاله به تأثیر اخوت بر اعتمادسازی اشاره شده، اما این پژوهش بیشتر صبغه سیاسی-اجتماعی دارد و جنبه‌های عاطفی به‌صورت عمیق و اختصاصی مورد بحث قرار نگرفته است.

بابایی (۱۳۹۱) پیامدهای «اخوت انسانی» را به عنوان اخوت حداقلی در عرصه اخلاق جهانی مورد بررسی قرار داده است. ایشان اخوت انسانی را مبتنی بر فطرت انسانی می‌داند و مهم‌ترین پیامد اخلاقی آن را از خودگذشتگی می‌داند. اما بحث فضای عاطفی ناشی از اخوت ایمانی و نیز نقش اخوت در اعتمادسازی مسئله این پژوهش نبوده است.

افسری (۱۳۹۲) راه‌های تقویت سرمایه اجتماعی را در اسلام مورد بررسی قرار داده است. در همین راستا، در بخشی از مقاله نقش حسن ظن در اعتمادسازی مطرح شده است؛ اما مبانی عاطفی اعتماد و بحث اخوت مسئله پژوهشگر نبوده است.

دانشیار (۱۳۹۳) هم‌گرایی و تقریب اسلامی را با تحلیل مفاهیم اخوت، وحدت و امت در اندیشه امام خمینی و مقام معظم رهبری مورد بررسی قرار داده است. در اینجا نیز نه بحث اعتماد و نه بعد عاطفی اخوت، مدنظر نبوده‌اند.

با تأمل در پژوهش‌های فوق و با عنایت به سؤالات این پژوهش، به نظر می‌رسد که پژوهش‌های موجود برای پاسخگویی به سؤالات این تحقیق کافی نمی‌باشند و انجام پژوهشی مستقل ضروری به نظر می‌رسد.

تعریف مفاهیم

اعتماد اجتماعی

جامعه‌شناسان «اعتماد» را یکی از مهم‌ترین نیروهای ترکیبی درون جامعه می‌دانند و معتقدند که بدون اعتماد عمومی افراد نسبت به یکدیگر، جوامع به سوی تجزیه شدن و فروپاشی سوق داده می‌شوند (Simmel, 2004: ۱۷۴). البته اعتماد اجتماعی کارکردهای متعدد روان‌شناختی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دارد و از این رو، نقش مهمی را در زندگی فردی و اجتماعی انسان ایفا می‌کند.

اعتماد اجتماعی از سویی برای سلامت روان افراد اهمیت زیادی دارد؛ به گونه‌ای که افراد خوش‌بین، در مقابله با مسائل، از شیوه‌های مقابله‌ای فعال‌تر از جمله، مقابله متمرکز بر حل مشکل، کسب حمایت اجتماعی و پایداری استفاده می‌کنند؛ لذا از موفقیت و سلامت جسمانی بیشتر و رضایت زندگی بالاتری برخوردارند (سلیگمن، ۱۳۸۳: ۷۸)، امیدوارترند (Newton, 2002: 3) و در مجموع، سلامت روانی بیشتر (نوریان نجف آبادی و جهانگیر، ۱۳۹۰) و کیفیت زندگی بهتری دارند (کووی، ۱۳۸۸: ۴۵). اعتماد در روابط شخصی باعث ایجاد ارتباطات دوستانه توأم با احترام و صمیمت، گذشت و تحمل دوجانبه، همراه با آرامش و بدون نگرانی و تردید می‌شود و رفتارهای تدافعی را به حداقل می‌رساند (کووی، ۱۳۸۸: ۵۲-۵۱).

از سوی دیگر، اعتماد مشارکت را در زمینه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سرعت بخشیده و تمایل افراد را برای همکاری با گروه‌های مختلف جامعه افزایش می‌دهد (میرفردی و احمدی قارنایی، ۱۳۹۵). تحقیقات نشان می‌دهند که اعتماد، دیگرخواهی، رفتار نوع‌دوستانه، مسئولیت‌پذیری اجتماعی (اردن و اردن، ۲۰۰۹: ۲۹۸۰؛ سروش، ۱۳۹۱)، مشارکت اجتماعی (زارع شاه آبادی و نوریان نجف، ۱۳۹۱؛ ظهیری نیا و همکاران، ۱۳۹۵)،

همبستگی بین افراد (حسن‌زاده، ۱۳۸۳: ۱۰۸) و وفاق اجتماعی را تقویت می‌کند (حاجی‌زاده میمندی و اسکندری فرد، ۱۳۹۲) و در نهایت، امنیت اجتماعی را افزایش داده و هزینه‌های نظارت نهاد‌های رسمی را کاهش می‌دهد (فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵). در اقتصاد نیز، اعتماد به عنوان پایه مبادلات اقتصادی، موجب افزایش بهره‌وری اقتصادی می‌شود (فوکویاما، ۱۹۹۵: ۲۴). از این رو «اعتماد اجتماعی» را مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی و یکی از عناصر اساسی انسجام و نظم در جامعه می‌دانند (کلمن، ۱۳۷۵: ۴۵۶؛ چلبی، ۱۳۷۵: ۱۲). بدین ترتیب، اعتماد را می‌توان هم به عنوان یک عامل بهداشت روانی و هم یک فضیلت اجتماعی ضروری در نظر گرفت.

مهم‌ترین شکل اعتماد اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته^۱ است. اعتماد تعمیم یافته را می‌توان حسن ظن نسبت به اکثریت افراد جامعه، جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای تعریف کرد (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۹). در این حالت، نه تنها به اعضای خانواده و آشنایان، بلکه به افرادی که نمی‌شناسیم، مانند شهروندانی که با آنها هم‌شهری هستیم نیز، اعتماد می‌کنیم (گیدنز، ۱۳۷۷). اعتماد تعمیم یافته مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی (Delhey & Welzel, 2012) و بهترین پیش‌بینی کننده برای مشارکت اجتماعی به‌شمار می‌رود (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸).

به نظر می‌رسد اعتماد کردن (یا اعتماد نکردن) به یک فرد، که یک «انتخاب» آگاهانه و ارادی است، می‌تواند یک «عمل» در نظر گرفته شود. به اعتقاد کووی (۱۳۸۸) ما پس از بررسی‌ها و تجزیه و تحلیل‌هایی تصمیم می‌گیریم که اعتماد بکنیم یا نه. از آنجاکه «عمل» فعالیت مبتنی بر زیرساخت‌های شناختی، گرایشی و ارادی است و لذا وقوع آن نیز در گرو فراهم آمدن این زیرساخت‌هاست (باقری، ۱۳۸۹: ۱۰۳)، برای اینکه به فردی اعتماد کنیم نیز لازم است که اولاً، ارزیابی مثبت و تصویر ذهنی مثبتی نسبت به او داشته باشیم و به‌علاوه، عواطف مثبتی نسبت به او احساس کنیم تا تصمیم بگیریم به او اعتماد کنیم. برخی از پژوهشگران حوزه اعتماد نیز به این پایه عاطفی اشاره نموده‌اند؛ چنان‌که چلبی معتقد است که اعتماد ریشه در وابستگی عاطفی جمعی دارد و هرگاه عواطف زمینه‌ای رشد یابند و بتوانند در میان افراد انتقال یابند، اعتماد ایجاد و تقویت می‌شود. او این امر را از طریق برقراری روابط اجتماعی گرم و تعاملات اظهاری در برابر تعاملات ابزاری میسر می‌داند (چلبی، ۱۳۷۵).

در این تحقیق نیز منظور از اعتماد اجتماعی، اعتماد تعمیم یافته است؛ نوعی ارزیابی مثبت کلی در تعاملات اجتماعی که به صورت ارادی، آگاهانه و عاقلانه با هدف تعمیق همبستگی و تقلیل رفتارهای تدافعی انتخاب می‌شود.

حسن ظن و سوء ظن

اعتماد حسن ظن افراد دربارهٔ اعضای جامعه (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۱۲) و باور به حسن نیت و صداقت دیگران در روابط دوجانبه است (Brower, 2000). اعتماد تعمیم یافته نیز حسن ظن نسبت به اکثریت افراد جامعه جدای از تعلق آنها به گروه‌های قومی و قبیله‌ای است (امیرکافی، ۱۳۸۰: ۹). لذا «حسن ظن» فرد نسبت به سایر اعضای جامعه عنصر کلیدی در اعتماد محسوب می‌شود چراکه با وجود عدم قطعیت‌ها و وجود خطر در روابط، افراد به خاطر حسن ظن و احساس مثبتی که به یکدیگر دارند، به هم اعتماد می‌کنند (جوهری پور و همکاران، ۱۳۹۳). به تعبیر دیگر، بی‌اعتمادی وقتی ایجاد می‌شود که بدگمانی و سوء ظن بروز کند (زاگر^۱، ۱۹۸۶). بدین ترتیب، به نظر می‌رسد که اگر بخواهیم به بررسی مبانی شناختی اعتماد به صورت درون دینی-در آموزه‌های دین اسلام- بپردازیم، پرداختن به مفهوم «حسن ظن» می‌تواند باب مناسبی باشد.

واژه‌شناسان «ظن» را از لغات اعداد برشمرده و معتقدند بالاترین مرتبهٔ ظن، علم و پایین‌ترین مرتبهٔ آن توهم است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۹: ۲۷۵) و بر شک، تهمت (دامغانی، ۱۳۶۶: ۵۵۱)، بداندیشی و پنداشتن (تفلیسی، ۱۳۷۱: ۱۹۸) نیز دلالت دارد. صاحب تفسیر مجمع البیان، ظن را حدیث نفسانی می‌داند که درون آدمی جاری شده و بر قلب او غلبه پیدا می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۱۲۸). ظن در اصطلاح، به معنای گفتگوی نفسی و خطوط خاطری است که از درجهٔ توهم تا درجهٔ علم پیش می‌رود، چه شواهد بر این ظن کافی باشد، چه نباشد (سهرابی فر، ۱۳۹۱: ۵۳).

در علم اخلاق، «حسن ظن» به معنای آن است که انسان هر عملی که از دیگران می‌بیند و هر سخنی که می‌شنود، آن را به بهترین محامل حمل کند و تکذیب او نکند (نراقی، ۱۳۹۰: ۲۳۳). مکارم شیرازی حسن ظن را به عنوان یک فضیلت اخلاقی مورد بحث قرار داده و معتقد است که نخستین ثمرهٔ شوم بدگمانی، عدم اعتماد است و در جامعه‌ای که بی‌اعتمادی حکمفرما شود، همدلی و همکاری و تعاون وجود ندارد و آثار و برکات زندگی جمعی از میان می‌رود. به همین

دلیل، اسلام که برای اعتماد متقابل افراد و امت‌ها اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است از مسئله بدگمانی به شدت نهی کرده و با تعبیرهای بسیار محکم، مردم را به سوی حسن ظن دعوت نموده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۳۰۳ و ۳۱۷).

در مقابل حسن ظن، «سوء ظن» بدین معناست که انسان چیزی را که از کسی دیده یا شنیده، بدون دلیل قطعی، حمل بر فساد کند و گمان خود را پیروی نماید و به احتمال صحیح و جهت صلاح در آن کار، اعتنایی نکند (دستغیب شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۵۴ و ۳۵۷). به عبارت دیگر، سوء ظن آن است که هرگاه کاری از کسی سرزند که هم قابل تفسیر صحیح و هم قابل تفسیر نادرست باشد، آن را به صورت نادرستی تفسیر کنیم (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲، ج ۳: ۳۱۶). در تعاریف دقیق‌تر گفته شده که مراد از سوء ظن این است که به واسطه آن تغییری در دل از الفت و محبت به کراهت و نفرت پیدا شود یا رفتار و معاشرت نسبت به گذشته تفاوت کند و نشانه آن این است که گمان بد را به دل راه دهی و نفس را به آن مایل کنی؛ لکن مجرد گذاشتن چیزی به خاطر، بلکه شک کردن، ظن بد نیست (نراقی، ۱۳۷۹: ۱۳۵).

سوء ظن و بددلی از نتایج جبن و ضعف نفس است؛ زیرا هر جبان ضعیف‌النفسی هر فکر فاسدی را که بر خاطرش بگذرد و به واهمه‌اش درآید می‌پذیرد و در پی آن می‌رود (نراقی، ۱۳۷۹: ۱۳۴). سوء ظن گذشته از اینکه در کتب اخلاق اسلامی یک رذیله اخلاقی محسوب می‌شود، به عنوان عملی حرام و گناهی کبیره نیز مطرح شده است (دستغیب شیرازی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۵۴). البته منظور از سوء ظن خاطره ثابت است؛ و آلا اگر بدگمانی به‌طور خاطره و حدیث نفس و زودگذر باشد، چون اختیاری نیست، مورد مواخذه نیز نمی‌باشد و مورد عفو است؛ اما اگر ثابت بماند، یعنی حمل بر صحت نکند و بدی او را در دل جای دهد و به آن معتقد شود، حرام بوده و توبه از آن واجب فوری است (شهید ثانی، ۱۳۹۰: ۲۰). نشانه عقد قلب به بدگمانی نیز آن است که حالت فرد نسبت به طرف مقابل تغییر کند، از او بددل شود، در احترام کردن به او سست گردد و در اهتمام به حال او به مانند پیش از این خیال شیطانی نباشد (شهید ثانی، ۱۳۹۰: ۲۱). با عنایت به مطالب مذکور، در این تحقیق نیز منظور از حسن ظن، مثبت‌اندیشی عاقلانه نسبت به غالب اعضای یک جامعه ایمانی (و اجتناب از بدگمانی بدون دلیل قطعی) است تا زمانی که دلیل قطعی برای تفسیر منفی رفتارها وجود نداشته باشد؛ که این امر به نوبه خود، نگرش اجتماعی و عمومی مثبت و توسعه و تعمیق ارتباطات مطلوب اجتماعی را در جامعه مؤمنان زمینه‌سازی می‌نماید.

روش تحقیق

این تحقیق از نوع بنیادی^۱ و نظری می‌باشد. پژوهش بنیادی برای کسب دانش بیشتر و کشف قوانین کلی حاکم بر روابط پدیده‌ها انجام می‌شود و درعین حال، پایه‌ای برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های عملی فراهم می‌سازد (دلاور، ۱۳۸۴: ۵۰؛ شریفی، ۱۳۸۳: ۸۵). در این پژوهش نیز مبانی شناختی و عاطفی لازم برای اعتماد اجتماعی بررسی شده است. درعین حال، می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای طراحی برنامه‌های عملیاتی تر جهت تقویت و ارتقاء اعتماد اجتماعی در کشور مورد استفاده قرار گیرد.

روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی^۲ است. در روش تحلیلی، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد، مدارک و کتب به دست می‌آید، به گونه‌ای سامان داده می‌شود که بتوان به پرسش‌های پژوهش پاسخ داد (سرمد و همکاران، ۱۳۷۶). این شیوه متکی بر اسناد و مدارک و ادراک و تحلیل عقلانی است؛ یعنی محقق با غور و اندیشه، اسناد و مدارک و اطلاعات را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۶۸) و به پاسخ سؤالات دست می‌یابد. در این تحقیق نیز، برای پاسخگویی به سؤال اول (تعیین مبانی شناختی اعتماد اجتماعی)، روایات معتبر، با کلیدواژه «ظن» از کتب روایی معتبر جستجو شد و جمع‌آوری، دسته‌بندی، کدگذاری و ساماندهی گردید و براساس آنها، چرایی، چگونگی و حدود و ثغور خوش‌گمانی عمومی تبیین شد. سپس برای پاسخگویی به سؤال دوم (تعیین مبانی عاطفی اعتماد اجتماعی)، مفهوم «اخوت» در قرآن کریم با کمک تفاسیر المیزان، تسنیم، نمونه، نور و اطیب البیان تحلیل شد و فضای عاطفی لازم برای تحقق اعتماد عمومی تبیین گردید.

یافته‌های پژوهش

همانطور که پیش‌تر ذکر شد، هدف اول پژوهش تبیین مبانی شناختی اعتماد اجتماعی، براساس بررسی آیات و روایات مربوط به «حسن ظن» بود. لذا در بخش یافته‌ها، ابتدا بدان بحث پرداخته می‌شود.

1 Fundamental research

2 Descriptive-Analytical Method

مبانی شناختی اعتماد اجتماعی

بینش و طرز تفکری که شخص در مسئله‌ای پیدا می‌کند، شالوده زندگی عملی و روش اجتماعی و کیفیت برخورد او با وقایع گوناگون را شکل می‌دهد (مطهری، بی تا، ج ۱: ۳۶۸). رفتار بین فردی مبتنی بر اعتماد نیز لاجرم دارای ریشه‌ها و مبانی شناختی و فکری است. با توجه به آموزه‌های دین اسلام، مثبت اندیشی و «حسن ظن» به دیگران را می‌توان از مهم‌ترین مبانی شناختی لازم برای رفتار مبتنی بر اعتماد دانست.

مطابق با روایات اسلامی، حسن ظن از بهترین صفات و خوی‌ها و برترین بهره‌ها و مواهب الهی^۱، و همچنین، بالاترین مرتبه تقوی و پرهیزکاری است^۲. از آلوده شدن به گناه‌هایی می‌بخشد و اندوه را سبک می‌کند^۳. فرد خوش گمان محبت مردم را به دست می‌آورد^۴، آرامش دارد و آموزش به‌خوبی پیش می‌رود^۵.

از روایات اهل بیت (ع) چنین برمی‌آید که در تعاملات اجتماعی در جامعه اسلامی، اصل بر خوش‌گمانی به یکدیگر است؛ برخی از این روایات بدین قرارند:

«سخنی که از (دهان) کسی بیرون آید، درحالی‌که می‌توانی احتمال نیکی بر آن ببری، به آن گمان بد مبر^۶» (نهج البلاغه، حکمت: ۳۵۲).

«کار برادرت را نیک تصور کن؛ تا زمانی که چیزی از او به تو رسد که نظرت را عوض کند^۷» (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۴).

«ای مردم، آن کس که از برادرش اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را مشاهده کند، باید به سخنانی که این و آن درباره او می‌گویند گوش فراندهد. آگاه باشید گاهی تیرانداز تیرش به خطا می‌رود (و حدس و گمان مردم گاهی نادرست از آب درمی‌آید)^۸» (نهج البلاغه، خطبه: ۱۴۱).

۱ امام علی(ع): حسن الظن من احسن الشیم و افضل القسم. (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۶۵)؛ امام علی(ع): حسن الظن من افضل السجایا و اجزل العطایا (همان).

۲ امام علی(ع): افضل الورع حسن الظن (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۶۵).

۳ امام علی(ع): حسن الظن یخفف الهم و ینجی من تقلد الاثم (همان).

۴ امام علی(ع): من حسن ظنه بالناس حاز منهم المحبه (همان).

۵ امام علی(ع): خذ من حسن الظن بطرف تروح به قلبک و یروح به امرک (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۷: ۲۳۱).

۶ امام علی(ع): لا تظنن بکلمه خرجت من احد سوءا و انت تجد لها فی الخیر محتملا.

۷ امام علی(ع): ضع امر اخیک علی احسنه حتی یاتیک منه ما یغلبک.

۸ امام علی(ع): من عرف من اخیه وثیقہ دین و سداد طریق فلا یسمع فیہ اقاویل الرجال اما انه قد یرمی الرامی و تخطی السهام.

قواعد فقهی همچون قاعده «اصاله الصحه» نیز به‌نوعی حسن ظن افراد نسبت به یکدیگر را تأکید می‌نمایند. براساس این قاعده، باید اعمال دیگران را حمل بر صحت و درستی کرد و مشروع و حلال انگاشت (بجنوردی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۸۴-۱۲۹).

همچنین، روایات فراوانی در مذمت بدگمانی وارد شده است:

«مراقب باش تا بدگمانی هرگز بر تو چیره نشود»^۱ (نوری طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۹: ۱۴۳).

«از گمان بد دوری نما که گمان، دروغ‌ترین دروغ است»^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۸: ۳۸).

«از بدگمانی بپرهیز که بدگمانی عبادت را فاسد می‌گرداند»^۳ (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۶۳).

«داوری از روی گمان، عدالت نیست»^۴ (نهج‌البلاغه، حکمت: ۲۲۰)

«بدگمانی کارها را نابود می‌کند و بدی‌ها را موجب می‌شود»^۵ (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۶).

«بدگمانی بر تو چیره نگردد که بدگمانی بین تو و دوست تو صلح باقی نمی‌گذارد»^۶ (مجلسی،

۱۴۰۳، ج ۷۷: ۲۲۹).

«کسی که گمانش را نیکو نگرداند، از هر فردی وحشت می‌کند»^۷.

«کسی که در امری شک یا گمان کند سپس بر طبق شک یا ظن اقدام نماید عملش را نابود

کرده است»^۸ (آمدی، ۱۴۱۰: ۲۵۹).

بدگمانی صاحبش را هلاک می‌کند»^۹ (آمدی، ۱۴۱۰: ۳۶۳).

حتی در برخی از روایات اجتناب از بدگمانی به برادر مؤمن از نشانه‌های ایمان برشمرده شده

است:

مؤمن برادر مؤمن است؛ او را دشنام نمی‌دهد، محروم نمی‌کند و به او بدگمان نمی‌شود^۱ (ابن

ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۵۲۶). درواقع، بسیاری از فتنه‌ها و نزاع‌ها در طول تاریخ، از بدگمانی به

۱ امام علی (ع): لا یغلبن علیک سوء الظن.

۲ پیامبر (ص): ایاک و الظن فان الظن اکذب الکذب.

۳ امام علی (ع): ایاک ان تسیء الظن فان سوء الظن یفسد العباده.

۴ امام علی (ع): لیس من العدل القضاء علی الثقه بالظن.

۵ امام علی (ع): سوء ظن یفسد الامور و یبعث علی الشرور.

۶ امام علی (ع): و لا یغلبن علیک سوء الظن فانه لا یدع بینک و بین اخیک صلحا.

۷ امام علی (ع): من لم یحسن ظنه استوحش من کل احد.

۸ امام رضا (ع): من شک او ظن فاقام علی احدهما احبط عمله.

۹ امام علی (ع): سوء الظن یردی مصاحبه.

دیگران نشئت گرفته است. خداوند متعال نیز در قرآن، نه تنها افراد را از سوء ظن برحذر می‌دارد، بلکه اطرافیان را نیز از همراهی نمودن با فرد دچار سوء ظن باز می‌دارد:

«لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بِأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ» (نور، ۱۲).

جالب آنکه در آیه فوق، به جای اینکه تعبیر کند شما درباره متهم به این تهمت، باید حسن ظن داشته باشید، می‌گوید: شما باید نسبت به خودتان حسن ظن می‌داشتید، این تعبیر اشاره به این است که جان مؤمنان از هم جدا نیست و همه به منزله نفس واحدند که اگر اتهامی به یکی از آنها متوجه شود، گویی به همه متوجه شده و همان‌گونه که هرکس خود را موظف به دفاع از خویشتن در برابر اتهامات می‌داند، باید به همان اندازه از دیگر برادران و خواهران دینی خود دفاع کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴: ۳۹۸).

در بسیاری دیگر از آیات قرآن نیز روی این موضوع تکیه شده است، از جمله آیاتی که افراد بی‌ایمان را نسبت به پیروی از ظن و گمان، مورد نکوهش قرار داده است؛ مانند: «وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس، ۳۶). در جای دیگری، پیروی از گمان در ردیف پیروی از هوای نفس قرار داده شده: «إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ» (نجم، ۲۳). آنها تنها پیروی از گمان و هوای نفس می‌کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۵۱۶).

از دیدگاه علمای اخلاق مهم‌ترین پیامدهای سوء بدگمانی را می‌توان به این صورت

جمع‌بندی نمود:

- زوال امنیت: زیرا شخص بدبین در فضای فکری و قضاوت‌های خود، به حریم شخصیت و پاکی مسلمانان تجاوز می‌کند و آن‌ها را مورد هجوم افکار و قضاوت‌های بد و ناروا قرار می‌دهد.
- کنجکاوی و تجسس در امور خصوصی دیگران: زیرا فرد بدبین معمولاً در مقام تجسس نیز برمی‌آید و خصوصیات زندگی دیگران را تحت مراقبت درمی‌آورد تا شواهدی بر گمان خود پیدا کند و بدین وسیله از مسلمانان سلب آزادی می‌نماید.

۱ امام باقر(ع): ان المومن اخ المومن لا يشتمه ولا يحرمه ولا يسيء به الظن.

۲ چرا هنگامی که این تهمت را شنیدید، مردان و زنان با ایمان نسبت به خود گمان خیر نبردند.

۳ اکثر آنها در قضاوت‌های خود تنها از ظن و گمان پیروی می‌کنند؛ درحالی‌که ظن و گمان به‌هیچ‌وجه انسان را به حق و حقیقت نمی‌رساند.

- غیبت و ریختن آبرو: وقتی فرد بدبین و کنجکاو از اسرار دیگران آگاهی یافت، معمولاً به افشای راز و غیبت او نیز می‌پردازد و موجبات سقوط شخصیت و از بین رفتن آبروی او در نظر دیگران نیز می‌شود.
- از بین رفتن ایمان و عبادات: طبق روایات، بدگمانی عبادت را فاسد می‌کند^۱. همچنین، از آنجاکه بدگمانی در نفس، نوعی تهمت نیز هست؛ هرچند بر زبان جاری نشود و طبق روایات، تهمت ایمان را از بین می‌برد^۲، پس بدگمانی از بین برنده ایمان است.
- فراموشی عیب خود: کسی که بدبینی خوی او شد، هیچگاه عیب‌ها و نقص‌های خود را نمی‌بیند تا در مقام درمان خود برآید و همه روزه بر عیبش افزوده می‌شود تا هلاک شود.
- رنج و محنت: از آنجاکه افراد بدبین نمی‌توانند اعمال دیگران را خالی از غرض و آلودگی تصور نمایند، همواره در یک درد و رنج روحی و روانی به سر می‌برند و این امر چه بسا ممکن است، به نوبه خود، منجر به مشکلات جسمی و عضوی نیز بشود.
- تنهایی: کسی که به دیگران بدبین می‌شود و آنها را خیانتکار و در دوستی ناصاف و ناپایدار می‌پندارد، به‌ناچار روابط خود را با آنها از بین می‌برد و تنها می‌شود^۳.
- سرایت بدبینی به دیگران: همان‌گونه که حضرت علی(ع) می‌فرماید: از مجالست با جمعی که از پی عیب‌های مردم روند و جوینده آنها باشند، دوری کن؛ زیرا مصاحبانشان از آنها به سلامت نمی‌مانند^۴. این بدان معناست که مصاحب ایشان نیز یا به بدبینی و کنجکاوای و مانند آنها مبتلا می‌شود یا خود نیز مورد بدبینی و کنجکاوای آنها قرار خواهد گرفت و از شرشان سالم نخواهد ماند (شهید ثانی، ۱۳۹۰: ۳۸-۳۳).

۱ امام علی(ع): ایاک ان تسیء الظن فان سوء الظن یفسد العباده و یعظم الوزر: بپرهیز از آنکه گمان را بد گردانی زیرا به‌راستی بدی مان عبادت را فاسد می‌گرداند و گناه را بزرگ می‌کند (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۴۶).

۲ امام صادق(ع): اذا اتهم المؤمن اخاه انما ات الايمان في قلبه كما ينامت الملح في الماء... اصول کافی باب اتهمه و سوء ظن: هرگاه مؤمن برادر دینی خود را تهمت زند ایمان در دلش آب می‌شود بمانند نمک در آب (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲: ۶۲۳).

۳ امام علی(ع): من غلب علیه السوء الظن لم یتربک بینه و بین خلیله صلحا: بدگمانی بر هرکس چیره شود صلح و صفایی که بین او و دوستانش بود بهم می‌زند (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۶: ۲۳۸) و نیز فرمود: من لم یحسن ظنه استوحش من کل احد: هرکس بدبین است از همه مردم وحشت و ترس دارد (همان).

۴ ایاک و معاشره متبعی عیوب الناس فانه لم یسلم مصاحبهم منهم (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۴۵).

بنابراین، دستور اسلامی مبتنی بر خوش‌گمانی مؤمنین به یکدیگر، یکی از جامع‌ترین و حساب‌شده‌ترین دستورها در زمینه روابط اجتماعی انسانهاست، که مسئله امنیت را به‌طور کامل در جامعه تضمین می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۱۸۳).

از آنجاکه شناخت یکی از مبانی مهم رفتار است، خطاهای شناختی نیز تأثیر زیادی بر رفتارهای انسان و از جمله رفتارها و تعاملات اجتماعی او دارند. شاید از این رو است که محققان مهم‌ترین مسئله در بحث شناخت را دستیابی به معیارها، راه‌ها و روش‌هایی می‌دانند که ما را در کسب آگاهی واقع‌نما کمک کنند (بهشتی، ۱۳۹۰: ۴۴-۴۳). بر این اساس، وجود معیارها و ملاک‌های مناسب برای تعیین دقیق مرزهای خوش‌گمانی یا بدگمانی به دیگران، جهت اجتناب از خطاهای شناختی در این زمینه ضروری به نظر می‌رسد. در روایات، توصیه به مثبت‌اندیشی و حسن ظن آمیخته با تعقل و خردورزی است؛ و تعقل با درنگ و سنجش، تجزیه و تحلیل و دوران‌دیشی شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، مؤمنان به «حسن ظن عاقلانه» توصیه شده‌اند و نه مثبت‌اندیشی ساده‌اندیشانه:

«گمان مرد متناسب با خرد اوست»^۱ (همان).

«گمان عاقل از یقین جاهل صحیح‌تر است»^۲ (همان).

«گمان پرهیزکاران و صاحبان اندیشه به راستی نزدیک است»^۳ (همان).

«گمان افراد با ایمان را غنیمت دانید؛ زیرا خداوند حق را بر زبان آنان جاری می‌سازد»^۴

(نهج‌البلاغه، حکمت: ۳۰۹)

به علاوه، مخاطب نیز باید دارای شرایطی باشد که زمینه مثبت‌اندیشی و حسن ظن را برای دیگران فراهم آورد. به عبارت دیگر، در تعالیم اسلامی برای حسن ظن شرایط و قیودی تعیین شده است:

«بدگمان شدن به شخص نیکوکار بدترین گناه و زشت‌ترین ظلم است»^۵ (همان).

«آن کس که از برادرش اطمینان و استقامت در دین و درستی راه و رسم را مشاهده کند، باید

به سخنانی که این و آن درباره او می‌گویند گوش فراندهد»^۶ (حرعاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷: ۳۷۹).

۱ امام علی(ع): ظن الرجل علی قدر عقله (همان).

۲ امام علی(ع): ظن العاقل اصح من یقین الجاهل (همان).

۳ امام علی(ع): ظن ذوی النهی و الالباب اقرب شیء من الصواب (همان).

۴ امام علی(ع): اتقوا ظنون المومنین فان الله تعالی جعل الحق علی السستهم.

۵ امام علی(ع): سوء الظن بالمحسن شر الائم و اقیح الظلم (همان).

۶ امام علی(ع): من عرف من اخیه وثیقته دین و سداد طریق فلا یسمعن فیہ اقاول الرجال اما انه قد یرمی الرامی و تخطی السهام.

«کار برادرت را نیک تصوّر کن؛ تا زمانی که چیزی از او به تو برسد که نظرت را عوض کند»^۱ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۳۴).

«هنگامی که صلاح و نیکی زمانه و مردم آن را دربرگیرد، اگر کسی گمان بد به دیگری ببرد که از او گناهی آشکار نشده است، بی‌تردید به او ستم کرده است. اما هنگامی که فساد بر زمان و اهل آن فراگیر شد هرکس به دیگری گمان خوب ببرد، قطعاً خود را فریب داده است»^۲ (نهج البلاغه، حکمت: ۱۱۴).

«آن هنگام که ستم بر حق چیره آمد و بیشتر شد، برای هیچ‌کس جایز نباشد که به کسی نیک گمان باشد؛ تا وقتی که به نیکی او آگاهی یابد»^۳ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۵: ۲۹۸).

«هنگامی که عدالت بر جور و ستم غالب باشد، حرام است به کسی سوء ظن ببری؛ مگر آنکه بدانی که فلان کار زشت را انجام داده است، و زمانی که جور و ستم بیش از عدل و داد باشد، کسی حق ندارد به دیگری گمان خوب ببرد؛ مگر در صورتی که خوبی وی کاملاً مشهود و آشکار باشد»^۴ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸، ج ۲: ۱۷۸).

«اطمینان به همه اشخاص قبل از آزمودن آنها از کم عقلی است»^۵ (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۴۵).

«اطمینان به اشخاص قبل از آزمایش آنها از ناتوانی است»^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸: ۱۹۰).

«اعتماد صد در صد به دوستت مکن؛ زیرا سقوط به واسطه اعتماد بی‌مورد، بهانه‌ای است که پذیرفته نمی‌شود»^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۱۷۴).

«کمال مودت و دوستی را به دوست خود نثار کن، ولی همه اطمینان خود را به او نکن»^۸

(مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۱: ۱۷۴).

۱ امام علی(ع): ضع امر اخیک علی احسنه حتی یاتیک منه ما یغلبک و لا تظنن بکلمه خرجت من اخیک سوءا و انت تجدلها فی الخیر محملا.

۲ امام علی(ع): اذا استولی الصلاح علی الزمان و اهله ثم اساء رجل الظن برجل لم تظهر منه حوبه فقد ظلم، و اذا استولی الفساد علی الزمان و اهله فاحسن رجل الظن برجل فقد غر.

۳ امام کاظم ع: اذا کان الجور اغلب من الحق لم یحل لاحد ان یظن باحد خیرا حتی یعرف ذلک منه.

۴ امام هادی(ع): اذا کان زمان، العدل فیہ اغلب من الجور فحرام ان تظن باحد سوءا حتی یعلم ذلک منه، و اذا کان زمان، الجور اغلب فیہ من العدل فلیس لاحد ان یظن باحد خیرا ما لم یعلم ذلک منه.

۵ امام علی(ع): الطمانینه الی کل احد قبل الاختبار من قصور العقل.

۶ امام علی(ع): الطمانینه الی کل احد قبل الاختبار عجز.

۷ امام صادق(ع): لاتنقن باخیک کل الثقه فان صرعه الاسترسال لاتسقال.

۸ امام علی(ع): ابدل لصدیقک کل الموده و لا تبدل له کل الطمانینه.

همچنین، حماد بن سنان گوید: «مالی داشتم؛ خواستم برای تجارت به یمن بفرستم. نزد امام جواد (ع) رفتم و مشورت نمودم امام (ع) فرمود آیا ندانستی که او شراب می‌خورد؟ گفتم به من رسانده‌اند که او چنین است. امام (ع) فرمود: مؤمنین را تصدیق کن؛ زیرا خداوند در وصف رسول خدا (ص) می‌فرماید: یومن بالله و یومن للمومنین (توبه، ۶۱)» (به نقل از دستغیب شیرازی، ۱۳۵۱: ۶۰۷).

از روایت اخیر چنین برمی‌آید که زمانی که گروهی از مؤمنین به بدکرداری فردی گواهی می‌دهند، به‌هرحال این گواهی را نیز نمی‌توان نشنیده گرفت و این اعتماد و اقدام عقلایی نیست (دستغیب شیرازی، ۱۳۵۱: ۶۰۸). به‌ویژه در زمینه تعاملات مهم و سرنوشت‌ساز همچون ازدواج یا معاملات تجاری که به نظر می‌رسد دین در این‌گونه امور دستور به احتیاط بیشتری می‌دهد.

در اسلام، حکم حرمت سوء ظن عام است. در کنار آن تجسس هم حرام است؛ مگر در جای ضرورت به مقدار لازم. مثلاً در معامله هرگاه پیش از معامله از حالات طرف فحص کند تا با اطمینان با او معامله نماید، این فحص، حلال است؛ خصوصاً در زمانی که بیشتر مردم راه صلاح و تقوا را رها کرده و به فساد گراییده‌اند؛ به‌طوری که اگر بدون فحص با آنها معامله‌ای انجام دهد، احتمال قوی و به‌طور عقلایی به خسران و زیان اوست. در این صورت، ترک فحص جایز و سزاوار نیست و بدون فحص معامله انجام دادن مکروه است. پس اسلام درحالی‌که بدبینی را به‌طور کلی حرام دانسته و به خوش‌بینی با یکدیگر امر کرده است، در معاملات با یکدیگر تنها به خوش‌بینی اکتفا کردن را هم درست ندانسته، خصوصاً در زمان غلبه فساد؛ بلکه به فحص کردن و سند نوشتن و گواه گرفتن در بسیاری از معاملات امر فرموده است. لذا بدگمان نبودن به مسلمان با فحص از حال او هنگام معامله منافات ندارد (دستغیب شیرازی، ۱۳۵۱: ۶۰۷-۶۰۶). همچنین است در هنگام اختیار همسر. وظیفه هر عاقلی این است که همسر و شریک، به‌طور کلی هر کسی را که می‌خواهد در زندگی خود شریک کند و محل اسرار خود قرار دهد، نخست او را بیازماید و چون صلاح و خوبی‌اش را دانست، دیگر به او بدبین نشود؛ یعنی از شنیدن یا دیدن چیزی از او که احتمال خوبی و بدی هر دو در آن هست، نباید بدگمان شود و در مقام کنجکاوی و مؤاخذه او برآید (دستغیب شیرازی، ۱۳۵۱: ۶۰۰-۵۵۹).

بنابراین، اگر کسی را تا کنون به ایمان و تقوا نشناخته باشیم و اکنون بدکاری او را به چشم خود ببینیم و قابل حمل بر صحت هم نباشد، نمی‌توان به او خوش بین بود (دستغیب شیرازی، ۱۳۵۱: ۵۸۵)؛ زیرا در این صورت نمی‌توان به علم خود و آنچه به عیان دیده‌ایم، معتقد باشیم و اما چیزی که ندیده و نشنیده و فقط از راهی که نمی‌دانیم، به دلمان افتاده، پس شیطان آن گمان را به دل انداخته است و خداوند می‌فرماید: «اگر فاسقی شما را خبری آورد، بررسی و تحقیق کنید؛ مبادا گروهی را از روی جهالت آسیب زنید» (حجرات، ۶). و شیطان از هر فاسقی فاسق‌تر است (نراقی، ۱۳۷۵: ۱۳۵).

یافته‌های فوق را می‌توان این‌چنین جمع‌بندی نمود:

- در آموزه‌های اسلامی اصل بر خوش‌گمانی است.
- لازم است طرف مقابل را بیازمود و اگر او به درستکاری شناخته شد، از آن پس، لازم است به شایعات راجع به او اعتنا نکرد و حتی دیده‌ها را هم حتی‌الامکان حمل بر صحت نمود؛ مگر این که به هیچ روی قابل حمل بر صحت نباشد.
- در مورد افرادی که شناخت کافی در مورد آنها وجود ندارد، نباید به گواهی تعداد زیادی از مؤمنان درباره او بی‌توجه بود و باید بررسی‌های لازم به عمل آید.
- در معاملات مهم مانند ازدواج یا معاملات تجاری - با افراد ناشناخته - اصل بر احتیاط و اجتناب از خوش‌بینی است.
- در زمانه‌ای که فساد در میان مردم جامعه فراگیر شده باشد و ستم و بی‌عدالتی بر حق غلبه داشته باشد، - به‌ویژه در مورد افراد ناشناخته - اصل بر احتیاط است.
- در مواردی که بدی فرد کاملاً مشهود و آشکار باشد و بارها تجربه شده باشد، خوش‌بینی جایز و عقلانی نیست.
- خوش‌گمانی و بدگمانی امری مطلق نیستند و تا پیش از تحقق شرایط مطلوب، می‌توان صرفاً «مراتبی خردمندانه و محتاطانه» از خوش‌بینی را متناسب با شرایط پیش رو، نسبت به افراد مبذول داشت.

اینها مرزهایی هستند که توجه به آنها خطاهای شناختی را به حداقل می‌رساند و غفلت از آنها، مخاطرات فراوان و در نهایت، تخریب تعاملات اجتماعی را در پی خواهد داشت.

مبانی عاطفی اعتماد اجتماعی

در قسمت پیشین روشن شد که تحقق رفتار مبتنی بر اعتماد، نیاز به شرایط مناسب دارد و مثبت اندیشی و حسن ظن عاقلانه می‌تواند بخش شناختی این بستر مناسب را تأمین کند. اما اعتماد همچون هرگونه تعامل اجتماعی دیگر نیازمند عواطف بین فردی مناسب نیز هست.

خداوند در آیه ۱۲ سوره حجرات، قبل از اینکه به حسن ظن مؤمنان را دستور فرماید، ابتدا به شرایط زمینه‌ای و عاطفی مناسب آن اشاره می‌کند؛ یعنی با تشریح حکم برادری و «اخوت» میان مؤمنان، بینشان نوعی احساس الفت و همدلی و همبستگی ایجاد می‌کند و سپس در چنین فضای عاطفی‌ای می‌فرماید: اکنون که شما با هم برادر هستید، پس نسبت به هم خوش گمان باشید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ... اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ» (حجرات، ۱۲-۱۰). به عبارت دیگر، در شرایطی که مؤمنان با هم «اخوت» و برادری مؤمنانه دارند، انتظار می‌رود به همدیگر، حسن ظن داشته باشند. «اخوت» و برادری بار عاطفی دارد و به نظر می‌رسد که بتوان با بررسی مفهوم و استلزامات «اخوت»، شرایط و فضای عاطفی مناسب برای حسن ظن توصیه شده در قرآن و روایات را به صورت دقیق‌تری درک نمود.

«اخوت» در لغت پیوندی است که دو یا چند چیز را به هم مرتبط می‌سازد. همچنین، به کسی که دو شی را در امری، مشترک و نقطه‌ای خاص، همانند می‌سازد می‌گویند: «اخیت بین الشیئین» (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۱: ۲۳). در اخوت ایمانی که یک مفهوم نسبی است و بر حسب میزان اشتراکات می‌تواند طیف گسترده‌ای از اخوت‌های حداقلی (با اشتراکات حداقلی) و اخوت‌های حداکثری (با اشتراکات حداکثری) را دربرگیرد، این نقطه مشترک ایمان است (بابائی، ۱۳۹۱).

کلمه «أخ» با «توخی» با طلب کردن نیز هم‌معناست. از آنجاکه هریک از برادران همان چیزی را می‌طلبد و مقصد قرار می‌دهد که برادر دیگر در پی آن است (یتوخی مقصد صاحبه)، او را «أخ» می‌گویند، بنابراین، برادران ایمانی با هم هماهنگ هستند و مقصد یکدیگر را طلب، تأیید و تقویت می‌کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۹۹). به فرموده علامه طباطبایی در المیزان، مؤمنین به‌صورت اعتباری برادر هم می‌شوند؛ ولی درواقع، آثاری حقیقی بر این امر اعتباری مترتب است

(طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۸۱). درحقیقت، اخوت ایمانی تنها امری درونی و پیوندی عاطفی نیست؛ بلکه آثار حقوقی، اجتماعی و اخلاقی در جامعه دارد و موجب اصلاح اخلاقیات فردی و اجتماعی می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۱۹۹). البته در این مجال اندک و با توجه به بحث مقاله، در این قسمت بیشتر جنبه عاطفی «اخوت» مدنظر است.

آیه ۱۰۳ سوره آل عمران به این جنبه عاطفی تصریح می‌کند: «وَادْكُرُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا» «به یاد آرید که چگونه دشمن یکدیگر بودید، و او میان دل‌های شما، الفت ایجاد کرد، و به برکتِ نعمتِ او برادر شدید». لذا بنا به نظرات مفسران، در اخوت ایمانی نه تنها برادران در کنار هم قرار می‌گیرند، قلب‌ها نیز متحد می‌شوند و لذا یک جمع واقعی (و نه یک اجتماع ظاهری) حاصل می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۴: ۴۶). رابطه برادری یک دوستی عمیق، پایدار و متقابل براساس خدامحوری و ندای فطرت است و با شراکت در غم و شادی یکدیگر (قرائتی، ۱۳۷۵، ج ۱۱: ۱۷۷)، الفت و محبت (طیب، ۱۳۷۸، ج ۳: ۳۰۴)، دوستی، علاقه، پیوند، احساس یگانگی و همبستگی نسبت به یکدیگر (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۳۰)، حس خیرخواهی (امام خمینی، ۱۳۷۷، ج ۱۱: ۳۸۱)، احساس تعلق همگانی (فتحی، ۱۳۹۰)، دلبستگی روحی و هم‌گرایی (وطن‌دوست، ۱۳۸۴) همراه است. آیه «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» (فتح، ۲۹) نیز به دوستی و مهرورزی به همدیگر را یکی از ویژگی‌های اهل ایمان می‌داند.

بدین ترتیب، رابطه برادری را می‌توان مظهر کامل محبت، همدلی و الفت میان افرادی دانست که دارای مبانی، اهداف و افق فکری مشترکی هستند؛ هرچند این عاطفه‌ورزی در کلیه سطوح اخوت (از اخوت انسانی تا اخوت اسلامی) و متناسب با آن سطوح، جریان دارد؛ این سخن حکیمانه حضرت علی (ع) را در نامه به مالک اشتر می‌توان در همین راستا در نظر گرفت: «واشعر قلبک الرحمه للرحمه فانهم صنفان: اما اخ لک فی الدین او نظیر لک فی الخلق» (نهج البلاغه، نامه ۵۳) «ای مالک، رحمت و محبت و لطف بر مردم جامعه را به قلبت بفهمان و نسبت به آنان درنده‌ای خونخوار مباش که خوردن آنان را غنیمت بشماری؛ زیرا مردم دو صنف‌اند: یا برادر دینی تو هستند یا مانند تو در خلقت (همنوع تو)».

روایات فراوانی که از اهل بیت (ع) به دست ما رسیده است، به حقوقی که مؤمنان به واسطه پیوند اخوت نسبت به هم پیدا می‌کنند، به تفصیل اشاره کرده‌اند و یکی از این حقوق واجب تصدیق کردن یکدیگر است^۱ که تعبیر دیگری از خوش‌گمانی و حسن ظن می‌باشد. فضای ایمانی و مبتنی بر تقوا در جامعه، احساس اخوت و برادری و نیز خوش‌نامی و حسن سابقه افراد همگی کمک می‌کنند که انسان درباره اطرافیان حسن ظن داشته باشد و در فعالیت‌های جمعی به ایشان اعتماد کند. شاید از این رو است که اندیشمندان معتقدند که اخوت اسلامی در نهایت، اعتماد عمومی را در جامعه بالا برده و لذا یک سرمایه اجتماعی بسیار ارزشمند محسوب می‌شود (فتحی، ۱۳۹۰). بنابراین، اصلاح فضای فکری و عاطفی اعتمادکننده، اصلاح رفتارهای اعتماد شونده و اصلاح فضای عمومی جامعه همگی بسترهای مناسب تحقق رفتارهای مبتنی بر اعتماد را در جامعه فراهم می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

فرهنگ عمومی و اجتماعی جهت‌گیری‌های فکری و گرایشی اعضای هر جامعه‌ای را مشخص می‌کند و از این رهگذر، الگوی رایج تعاملات و رفتارهای بین فردی آنها را نظام می‌بخشد. اما در نگاهی کلان و دوراندیشانه، این فرهنگ اجتماعی به نسل‌های بعد نیز انتقال می‌یابد و به مثابه روح حاکم بر جامعه، نگرش‌ها، رفتارها و شخصیت نسل‌های آتی جامعه را نیز شکل می‌دهد. از این رو، ارزیابی مداوم آن، تقویت و اشاعه نقاط قوت آن و، در صورت لزوم، بازسازی و اصلاح نقاط ضعف آن، عاملی اساسی برای تعالی روحی و معنوی اعضای آن جامعه خواهد بود. این تحقیق در راستای تبیین و تقویت مبانی اساسی فرهنگ اعتماد در جامعه اسلامی صورت گرفته است. گسترش فرهنگ اعتماد بخردانه در جامعه، برای تقویت پیوندهای مثبت و متقابل افراد اجتماع امری ضروری است و به همین دلیل، عنوان مهم‌ترین شاخص سرمایه اجتماعی را در دیدگاه جامعه‌شناسان به خود اختصاص داده است. در نگره قرآنی نیز به مثابه یکی از امور بسیار مهم تلقی شده و ارتباطات کارآمد و مؤثر بین افراد، تعاون و همبستگی و انسجام امت اسلامی را موجب می‌شود. اما این رفتار اجتماعی نیز برای در امان ماندن از آفت افراط و تفریط، نیازمند ملاک‌ها و

۱ پیامبر اکرم (ص): للمسلم علی اخیه ثلاثون حقا ... و یصدق اقسامه... (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۴: ۷۹).

معیارهای عقلانی است. شناسایی دقیق مبانی اعتماد اجتماعی از منظر آموزه‌های اسلامی، موضوع این پژوهش بوده است.

یافته‌های حاصل از این بررسی نشان داد که در دیدگاه اسلامی، اعتماد کردن به دیگری به‌مثابه یک رفتار اجتماعی، مولود پیوند مناسبی از اندیشه‌ها، عواطف و واقعیت‌هاست و ضوابط دقیقی دارد. مثبت اندیشی نسبت به مؤمنان در بافت فرهنگی - اجتماعی که در آن راستی و نیکوکاری بر ناراستی غلبه یافته است، به‌اضافه احساس قدرتمند اخوت ایمانی، که یک نوع تعلق خاطر و هویت جمعی ایجاد می‌کند، به بهترین شکل زمینه شکل‌گیری اعتماد اجتماعی عاقلانه را ایجاد می‌نماید؛ و این حسن ظن و احساس اخوت در سایه تفکر توحیدی، در میان تمامی مسلمانان از مذاهب، اقوام، خرده‌فرهنگ‌ها و زبان‌های گوناگون جاری است.

با مدیریت مبانی فکری و عاطفی اعتماد می‌توان رفتار اعتماد عاقلانه را زمینه‌سازی و تسهیل نمود؛ زیرا بدگمانی با تعریفی که از آن ارائه شد، از اختیار آدمی خارج نیست. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «سه چیز است که وجود آن در مؤمن پسندیده نیست، و راه فرار دارد، از جمله سوء ظن است و راه فرارش این است که به آن جامه عمل نپوشاند^۱». بزرگان اخلاق برای درمان این بیماری روحی و اخلاقی، بی‌اعتنایی به آن، نپذیرفتن آن و ترتیب اثر ندادن به آن را در رفتار و مناسبات با فرد مطرح نموده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۸۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲: ۱۸۲) تا وقتی که دلیلی محکم بر خلاف آن قائم شود. یعنی به محض خطور افکار بدبینانه، بدبینی را نه در دل جای دهیم و نه در جوارح خود آشکار سازیم: هرگاه انسان کار ناروایی از کسی دید یا شنید، با ملاحظه فساد آن و یادآوری شرافت ضد آن - گمان نیک - از خود مراقبت کند و فوراً آن شخص را بد نداند و فوراً از این فکر پیروی نکند؛ یعنی در دل نفرت و کراهت از او پیدا نکند، بلکه احتمال عقلی بدهد که مثلاً ممکن است آن شخص از روی سهو یا جهل آن کار را انجام داده است. حتی اگر به عمد هم باشد، ممکن است از آن توبه کند یا کردار نیکی از او سر بزند که تلافی شود و شاید سرانجامش سعادت باشد و جایگاه بهتری نزد خداوند داشته باشد. بالعکس، چون افکار بدگمانی به مؤمنی در دلش وارد شد، فوراً حمل بر صحت کرده، خوش‌گمانی به او را در دل خود جای دهد. اندیشیدن در راه‌های حمل بر صحت و مجسم ساختن احتمالات صحیحی که در مورد عمل دیگران وجود دارد، می‌تواند به این امر کمک کند.

۱ ثلاث فی المؤمن لا یستحسن، و له منهن مخرج، فمخرجه من سوء الظن ان لا یحققه (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱۱: ۱۷).

به‌علاوه، در رفتارش با آن مؤمن، نه تنها تغییری ایجاد نکند و دلجویی و گرامیداشت پیشین را کم نکند، بلکه رفتارش بهتر شود؛ مثلاً، برایش دعا کند و در خوش رفتاری با وی بیفزاید (نراقی، ۱۳۷۹: ۱۳۵؛ دستغیب شیرازی، ۱۳۵۱: ۶۰۲-۶۰۱؛ شهید ثانی، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۸) این رویه در ابتدا بر نفس گران و ناگوار است؛ لکن پس از چندی که بر آن استمرار ورزید، خوش‌گمانی خوی و خصلت او خواهد شد (شهید ثانی، ۱۳۹۰: ۳۳-۳۸).

علاوه‌بر اصلاح افکار، توجه فعال و تأکید بر مهم‌ترین نقاط اشتراک با دیگر مؤمنان- مبانی فکری، اهداف و افق مشترک- و عشق و محبت نسبت به آنان در راستای حب عبوی، دوستی عمیق، احساس یگانگی و همدلی و مهربانی نسبت به یکدیگر را تسهیل نموده و همین امر به نوبه خود، زمینه عاطفی و انگیزشی خوش‌بینی و اعتماد متقابل را فراهم می‌سازد.

ازسوی دیگر، متقابلاً وظیفه هر مؤمنی هم هست که گفتار و کردارش را طوری انجام دهد که سبب بدبینی و تهمت زدن خلق به او نشود و بلکه اعتمادسازی نماید؛ همانگونه که بزرگان دینی می‌فرمایند: «از مواضع تهمت بپرهیزید^۱» و «کسی که خود را در معرض تهمت قرار دهد، کسی را که به او بدگمان شود ملامت نکند^۲». به‌هرحال، تا زمان تحقق شرایط مطلوب اعتماد، می‌توان «مراتبی خردمندانه» از اعتماد (و نه اعتماد مطلق و ساده‌اندیشانه) را متناسب با شرایط موجود مبذول داشت.

درنهایت، با توجه به رابطه منفی میان فراگیری فساد و بدعهدی در جامعه، با خوش‌گمانی و اعتماد بین فردی، عنایت جدی مسئولین برای رفع فساد اداری و ساختاری، رعایت جدی‌تر قوانین و کاهش زمینه‌های خلافتکاری در سطوح گوناگون جامعه برای تقویت اعتماد در جامعه پیشنهاد می‌شود.

منابع

- قرآن کریم، ترجمه مهدی فولادوند.
- ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۵)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین مردم شهر گرمسار»، بیک نور، سال ۷، ش ۳: ۸۴-۶۵.

۱ پیامبر اکرم(ص): اتقوا مواضع التهم (شهیدثانی، بی تا: ۲۵۲).

۲ امام علی(ع): من عرض نفسه للثمه فلا یلومن من اساء به الظن (آمدی، ۱۴۱۰، ج ۵: ۳۶۵).

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، *الخصال*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین.
- ابن بابویه، علی (۱۴۰۶)، *فقه الرضا*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴)، *تحف العقول*، قم: جامعه مدرسین.
- اخگر، مسعود؛ خلیلی، معصومه (۱۳۹۵)، «مؤلفه‌های تربیت شهروندی از منظر قرآن و سنت»، *پژوهش‌های اجتماعی اسلامی*، سال ۲۲، ش ۲ (پیاپی ۱۰۹)، تابستان ۱۳۹۵: ۱۸۲-۱۵۱.
- ادیسی، افسانه؛ رحمانی خلیلی، احسان و حسینی امین، سیده نرگس (۱۳۹۱)، «اعتماد اجتماعی، رهاورد هنجارهای دینی و ارزش‌های اخلاقی»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، سال ۳، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۱: ۲۴-۱.
- اسکندری، مجتبی؛ موسوی، سید ابوالفضل (۱۳۹۰)، «بررسی ابعاد مفهوم اعتماد در اندیشه شهید مطهری و کاربرد آن در مدیریت سازمان»، *توسعه*، سال ۶، ش ۲۱، پاییز ۱۳۹۰: ۱۰۱-۷۳.
- افسری، علی (۱۳۹۲)، «سرمایه اجتماعی در اسلام»، *پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم*، سال ۴، ش ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۲: ۱۱۸-۱۰۱.
- آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰)، *غرر الحکم و دررالکلم*، تحقیق سیدمهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی.
- امیرکافی، مهدی (۱۳۸۰)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *نمایه پژوهشی*، سال ۵، ش ۱۸: ۴۲-۱۰.
- بابایی، حبیب‌الله (۱۳۹۱)، «اخوت انسانی و پیامدهای اخلاقی آن در عرصه جهانی (بر پایه اندیشه آیت‌الله جوادی آملی)»، *اسراء*، سال ۵، ش ۱، پیاپی ۱۳، پاییز ۱۳۹۱: ۲۴-۷.
- باقریانی، فریده (۱۳۹۳)، «رابطه دینداری با اعتماد اجتماعی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی بهبهان»، *رفاه اجتماعی*، سال ۱۴، ش ۵۵: ۱۰۷-۷۹.
- بجنوردی، حسن (۱۳۸۳)، *التواعد الفقہیہ*، قم: نشر الهادی.
- بختیاری، مهدی (۱۳۸۹)، «اعتماد اجتماعی و رابطه برخی عوامل اجتماعی با آن: مطالعه موردی شهر قم»، *مطالعات فرهنگی اجتماعی*، پیش شماره ۲: ۹۲-۶۵.
- بیدل، پری‌ناز و همکاران (۱۳۹۳)، «رابطه بین اعتماد اجتماعی و فردگرایی افراطی در شهر مشهد»، *رفاه اجتماعی*، دوره ۱۴، ش ۵۵: ۱۹۹-۱۶۷.
- بیدل، پری‌ناز (۱۳۹۵)، «رابطه اعتماد اجتماعی با احساس امنیت و امنیت اجتماعی»، *انتظام اجتماعی*، سال ۸، ش ۱، بهار ۱۳۹۵: ۸۸-۵۹.
- تفلیسی، حبیب بن ابراهیم (۱۳۷۱)، *وجوه القرآن*، ترجمه مهدی محقق، تهران: دانشگاه تهران.

- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱)، *سروش هدایت*، قم: اسرا.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، *تفسیر تسنیم*، محقق علی اسلامی، قم: مرکز نشر اسراء.
- جواهری پور، مهرداد و همکاران (۱۳۹۳)، *شکل‌گیری اعتماد اجتماعی و فراتحلیل عوامل مؤثر در آن، مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، سال ۴، ش ۱۴، پاییز ۱۳۹۳: ۹۷-۷۵.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم؛ تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی*. تهران: نی.
- حاجی‌زاده میمندی، مسعود؛ اسکندری فرد، میرمختار (۱۳۹۲)، «رابطه اعتماد اجتماعی و وفاق اجتماعی (مطالعه‌ای در شهر یزد)، *مسائل اجتماعی ایران*»، سال ۴، ش ۲، زمستان ۱۳۹۲: ۵۴-۳۷.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، *مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*، تهران: سمت.
- حر عاملی، محمدبن حسن (۱۴۰۹)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت.
- حسن‌زاده، محمدصادق (۱۳۸۳)، «بررسی تأثیر فرهنگ سازمانی بر توانمندسازی کارکنان در یکی از شرکت‌های فعال در زمینه ایران خودرو»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده مدیریت دانشگاه تربیت مدرس.
- خادم‌علیزاده، امیر؛ افسری، علی (۱۳۹۵)، «تأثیر آموزه‌های اعتقادی و اخلاقی اسلام بر سرمایه اجتماعی مسلمانان جهان (با تأکید بر شاخص اعتماد تعمیم یافته)»، *پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۶، ش ۲۳، تابستان ۱۳۹۵: ۵۸-۴۵.
- خدایار، دادخدا (۱۳۹۰)، «نقش راهبردی اخلاق در ایجاد وحدت»، *پژوهشنامه اخلاق*، سال ۴، ش ۱۳، پاییز ۱۳۹۰: ۱۴۲-۱۱۹.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷)، *صحیفه امام*، تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی.
- دامغانی، حسین بن محمد (۱۳۶۶)، *الوجوه و النظائر فی القرآن*، تصحیح اکبر بهروز، تبریز: انتشارات دانشگاه.
- دانشیار، علیرضا (۱۳۹۳)، «همگرایی و تقریب اسلامی با تحلیل مفاهیم قرآنی «اخوت»، «وحدت» و «امت» در اندیشه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری»، *حبل‌المتین*، سال سوم، بهار ۱۳۹۳ ش ۶: ۷۷-۶۰.
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین (۱۳۵۱)، *قلب سلیم*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین (۱۳۶۱)، *گناهان کبیره*، تهران: کانون اندیشه‌های اسلامی.
- دلاور، علی (۱۳۸۴)، *مبانی نظری و عملی پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی*، تهران: انتشارات رشد.

- دیالمه، نیکو؛ تجلی، منیر و کریمیان، ندا (۱۳۹۵)، «اعتماد در سازمان‌های آموزشی از پنداره تا واقعیت براساس رهنمودهای اسلام»، *علوم تربیتی از دیدگاه اسلام*، سال ۴، ش ۷، پاییز و زمستان ۱۳۹۵: ۶۷-۴۵.
- راغب اصفهانی، محمد حسین (۱۳۷۹)، *المفردات فی الفاظ القرآن*، بیروت: دارالقلم.
- زارع شاه‌آبادی، اکبر؛ نوریان نجف، محمد (۱۳۹۱)، «بررسی رابطه اعتماد با مشارکت اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه یزد»، *جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه*، ش ۱: ۶۹-۴۷.
- سرمد، زهره؛ بازرگان، عباس و حجازی، الهه (۱۳۷۶)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: آگاه.
- سروش، مریم (۱۳۹۱)، «احساس مسئولیت فردی و اجتماعی، دیگرخواهی و اعتماد اجتماعی مطالعه نوجوانان شیراز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۳، شماره پیاپی (۴۶)، ش ۲، تابستان ۹۱: ۲۱۱-۱۹۳.
- سلیگمن، مارتین و همکاران (۱۳۸۳)، *کودک خوش‌بین، ترجمه فروزنده و داورپناه*، تهران: رشد.
- سهرابی فر، محمدتقی (۱۳۹۱)، *علم، ظن و عقیده*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شریفی، حسن پاشا؛ شریفی، نسترن (۱۳۸۳)، *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: انتشارات سخن.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا)، *شرح مصباح الشریعه*، محقق عبدالرزاق گیلانی، تهران: قیام حق.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۳۹۰)، *کشف الریبه*، بی‌جا: دارالمرتضوی للنشر.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴)، *المیزان*، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۴)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵)، *مجمع البحرین*، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
- طیب، سید عبد الحسین (۱۳۷۸)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات اسلام.
- ظهیری نیا، مصطفی و همکاران (۱۳۹۵)، «اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه هرمزگان»، *پژوهش نامه فرهنگی هرمزگان*، شماره ۱۱، بهار و تابستان ۹۵: ۱۳۶-۸۶.

- عبداللهی عابد، صمد؛ رزمی، ام‌کلثوم (۱۳۹۳)، «نقش مثبت اندیشی در حل مسائل زندگی با تأکید بر آیات قرآن کریم و روایات»، *قرآن در آینه پژوهش*، سال اول. شماره دوم، پاییز و زمستان ۹۳: ۱۸۸-۱۵۹.
- علی‌پور، پروین و همکاران (۱۳۸۸)، «اعتماد و مشارکت (برسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در شهر تهران»، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۱۰، ش ۲: ۱۳۵-۱۰۹.
- علیزاده اقدم، محمد باقر؛ علمی، محمود و ملکوتی دیزج یکان، عبدالحسین (۱۳۹۱)، «بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با اعتماد اجتماعی دبیران مقطع متوسطه آموزش و پرورش شهرستان مرند»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۴۷: ۱۸۴-۱۶۷.
- فتحی، یوسف (۱۳۹۰)، «اخوت اسلامی به مثابه سرمایه اجتماعی معنوی در اندیشه امام خمینی»، *مطالعات/تغیاب/اسلامی*، سال ۸، زمستان ۱۳۹۰. ش ۲۷: ۱۹۸-۱۷۳.
- فیروزآبادی، سید احمد؛ ایمانی جاجرمی، حسین (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی- اجتماعی در کلان شهر»، *رفاه اجتماعی*، سال ۶: ۲۲۴-۱۹۷.
- قرائتی، محسن (۱۳۷۵)، *تفسیر نور*، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کتابی، محمود؛ ادیبی سده، مهدی؛ قاسمی، وحید و صادقی ده چشمه، ستار (۱۳۸۹)، «سنجش اعتماد اجتماعی و عوامل موثر بر آن در مراکز شهرستان‌های چهارمحال و بختیاری»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال ۲۱، شماره پیاپی ۴۰: ۱۲۲-۲۶.
- کلمن، س. ج. (۱۳۷۷)، *بنیادهای نظریه اجتماعی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۴)، *اصول کافی*، قم: دارالحدیث.
- کووی، استفن م. ر. (۱۳۸۸)، *سرعت اعتماد*، ترجمه رضوان صدقی‌نژاد، تهران: نشر علم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷)، *پیامدهای مدرنیت*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴)، *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*، مصحح سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳)، *بحارالانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸)، *میزان الحکمه*، قم: دارالحدیث.
- مطهری، مرتضی (بی تا)، *مجموعه آثار*، قم: صدرا.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۲)، *اخلاق در قرآن*، قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع).

- میرفردی، اصغر؛ احمدی قارنایی، حکیم (۱۳۹۵)، «بررسی میزان اعتماد اجتماعی در روابط بین شخصی و رابطه آن با میزان قانون‌گریزی در یاسوج»، *انتظام اجتماعی*. سال ۸، ش ۴، زمستان ۱۳۹۵: ۵۹-۸۴.
- نراقی، احمد (۱۳۹۰)، *معراج السعاده*، تصحیح موسوی کلانتری دامغانی، تهران: پیام آزادی.
- نراقی، مهدی (۱۳۷۹)، *علم اخلاق اسلامی؛ گزیده جامع السعادات*، ترجمه و گزینش سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران: حکمت.
- نوری طبرسی، حسین (۱۴۰۸)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، بیروت: آل البيت لاحیاء التراث.
- نوریان نجف آبادی، محمد؛ جهانگیر، نرجس (۱۳۹۰)، «رابطه بین میزان اعتماد اجتماعی و سلامت روانی (مطالعه موردی: معلمان شهرستان تیران و کرون)»، *جامعه‌شناسی تاریخی*، دوره ۳، ش ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰: ۳۵-۵۹.
- وطن‌دوست، رضا (۱۳۸۴)، «اخوت ایمانی در آموزه‌های اسلامی»، *مجله تخصصی الهیات و حقوق*، پاییز ۱۳۸۴، سال ۵، ش ۱۷: ۱۸۹-۲۱۴.
- Brower, H., F. Holly, David Schoorman, and Hwee Hoon Tan (2000), "A Model of Relational Leadership: The Integration of Trust and Leader-Member Exchange", *Leadership Quarterly*, Vol: 11.: 227-250.
- Delhey, J.; Welzel, C.(2012), "Generalizing Trust: How Outgroup-Trust Grows Beyond Ingroup-Trust", *World Values Research*, 5(3): 46-69.
- Erden, A.; Erden, H. (2009), "Predicting organizational trust level of school managers and teachers at elementary schools", *Procedia Social and Behavioral Sciences*, 1.: ۲۱۹۰-۲۱۸۰.
- Fukuyama, Francis. (1995), *Trust: the social Virtues and the Creation of Prosperity*, New York: free press.
- Newton, K.(2002), *Social Trust and Political Disaffection Social Capital and Democracy*, EURSCO Conference on Social Capital: Exeter: 5-35.
- Simmel, G.(2004), *The philosophy of money*, Translated by T. Bottomor, London: Routledge Press.
- Zucer L.G. (1986), "Production of Trust: institutional sources of economic structure 1840-1920", *Res. Organ. Behav*, 8: 53-111.